

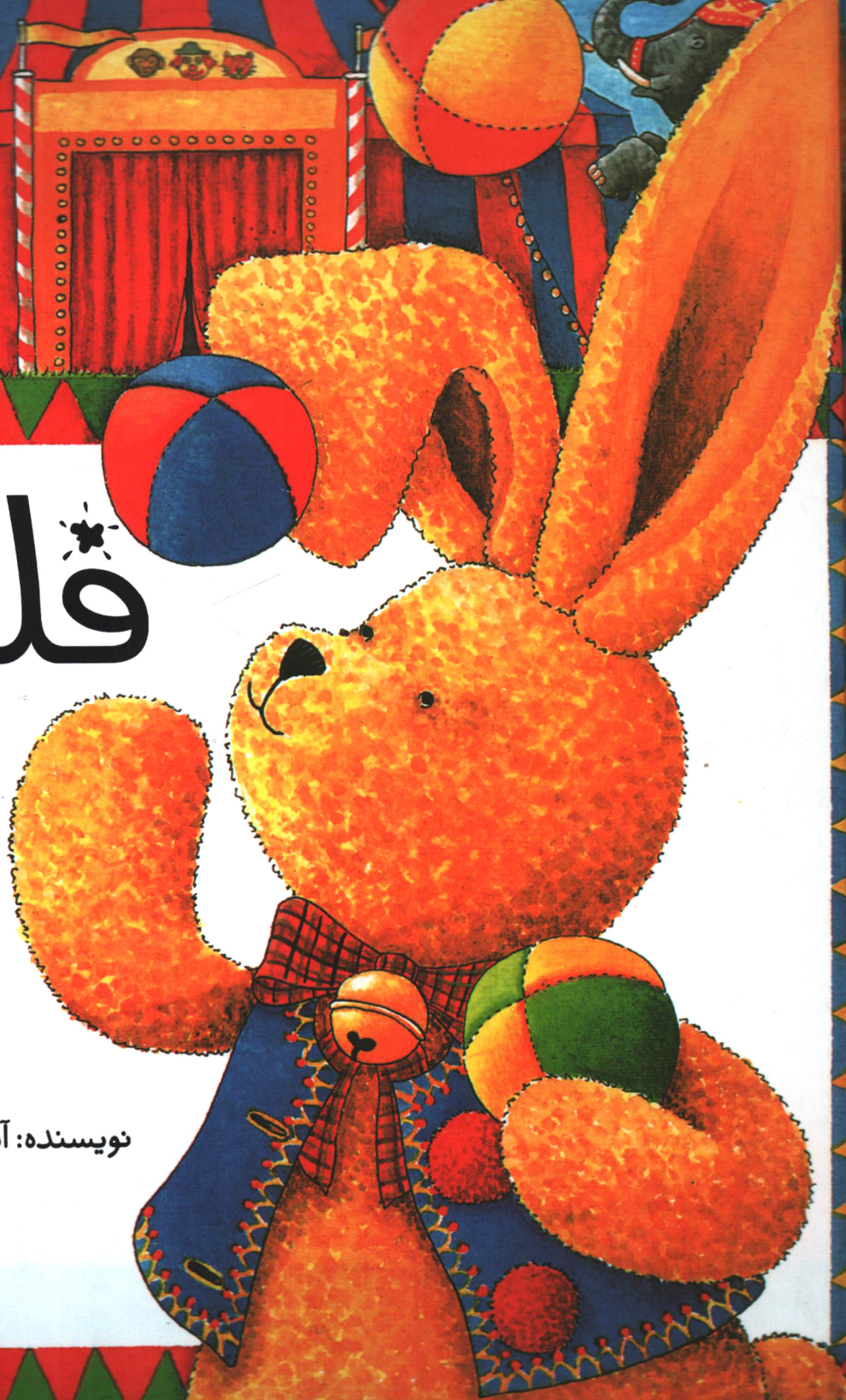
قلیك س

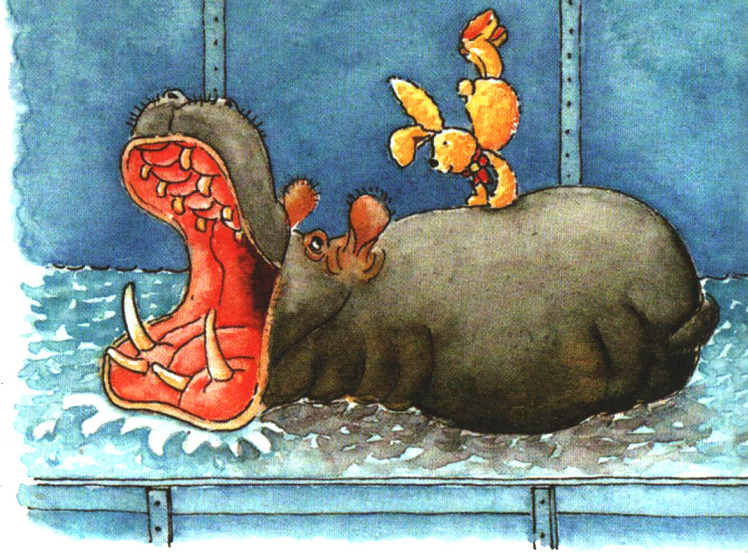
به سيرك

می رود

نویسنده: آیت لنگین • تصویرگر: گنستانزا دروپ

مترجم: محبوبه نجف خانی





باز هم، سوفی از کار فلیکس تعجب می‌کند.
همیشه او چقدر خوش‌شانسی می‌آورد!
وقتی سوفی چشم‌هایش را می‌مالد، می‌تواند
جلوی چشمش، پوی را توی حوضچه‌اش ببیند
و همین‌طور سیتا و کریم و بچه‌های دیگر سیرک
را که توی کاروان مدرسه نشسته‌اند. شاید الان دیگر فلیکس توی راه است و دارد بر
می‌گردد خانه! او همیشه از همه‌ی سفرهای قبلی‌اش سالم برگشته، اما سوفی باز هم دلش
شور می‌زند. سوفی سعی می‌کند به چیزهای شادتری فکر کند و تصمیم می‌گیرد اتاقش را
مرتب کند تا وقتی فلیکس بر می‌گردد، همه جا تمیز و قشنگ باشد.

